دوفصلنامه علمی ـ تخصصی فقه و قضا
سال سیزدهم/شماره ۱۸/ بهار و تابستان ۱۴۰۰

Two quaterly scientific- specified
jurisprudence and judgment Years, ۱۳ No.۱۸,
Spring and Summer 2021

نقش کرامت انسانی در سیاست جنایی اسلام

□ عزیزالله احمدی *

چکیده

هرنظام و کشوری برای رفع تخاصم میان مردم و نظم بخشی در امور شان، با توجه به نوع تخاصم ، تدابیر خاصی را اتخاذ می نمایند. از جمله‌ی این تدابیر، سیاست جنایی به عنوان راهبرد مبارزه با جرم است که این راهبرد تحت تأثیر دیگرگونی‌های اجتماعی متحول می گردد. امروزه که کرامت انسانی و اصل انسانیت در کانون توجه جهانیان قرار گرفته و هر نظام قضایی تعریفی خودش از سیاست جنایی و کرامت انسانی دارند. دین اسلام از آغاز تشریعش سیاست جنایی خودش را داشته که براساس این سیاست، به کرامت انسانی اهمیت خاص قایل گردیده است. کرامت انسانی فارغ از تمام عُلقه‌های دینی، زبان، نژاد و انسان از آن جهت که انسان است مد نظر قرار داده شده است.

کرامت انسانی در سیاست جنایی اسلام و امور قضایی و نیز نظم بخشی اجتماعی آن، از جایگاه ویژه برخوردار بوده و پیش از آن که حقوق بشر غربی به وجود بیاید، دین اسلام قرنها پیش آن را به رسمیت شناخته و فاکتور های مانند: حق حیات، آزادی، لغو شکنجه، تبعیض، اصل برائت ، حق دادخواهی عادلانه و... مورد توجه و تایید قرار داده است.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی، کرامت انسانی، نظم اجتماعی

---

* دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی مجتمع عالی فقه جامعة المصطفی ﷺ العالمیة.

مقدمه

در اعصار پیشین نگاه اکثر حاکمان و سیاستمداران به کیفر، قرن‌ها غیرانسانی، خودکامه، حتی ظالمانه و غیرعادلانه بوده است. غالبا قوانین، پاسدار حکومت‌ها و به زنجیر کشیدن رعایا ناظر بر حفظ و حراست از تاج و تخت شاهی بوده و احترام به انسان و انسانیت او زیر این سقف آهنین به بوته فراموشی سپرده شده بود؛ گذر زمان و رشد اندیشه انسان و نگاه منتقدانه به کیفرهای غیرانسانی، توجه به انسان و حقوق بنیادین و ذاتی او را بنیان نهاد.

این پدیده‌ی نوظهور موجب گردید شمشیر ظلم و ستم از دست حکام گرفته شود و توجه به انسانیت انسان جایگزین آن گردد. این اندیشه رفته رفته، رشد کرد و مجازات‌های سبُعانه جای خود را به بازپروری و اصلاح داد. اقتدار قضایی اگر تا دیروز با سرنیزه و شمشیر تعیین می شد امروزه اندیشه و قلم جای آن را گرفته است. اگر تا دیروز انسان، استاده قامتی بود بی مقدار و کم ارزش امروزه این استاده قامت، موجودی است دارای انسانیت و حامل ارزش‌های بیکران انسانی که باید دیده و محترم شمرده شود.

امروزه با تصویب قوانین جزایی، مجازات‌هایی را که تا دیروز، اجرای آنها کرامت انسانی را پایمال می کرد–مجازات هایی از قبیل سرب داغ در گلو ریختن، مثله کردن، شکنجه کردن، مصادره غیرقانونی اموال، در جوال کردن، میخ کوبیدن، چوب زدن، سر بریدن، دست بریدن، گوش بریدن، کچ گرفتن، شقه کردن، تکه تکه کردن، بدون تحقیق مجازات کردن، زنده زنده در لای دیوار گذاشتن و ... به طور کلی از صفحات قانون حذف و برخورد با مجرم، صورت انسانی به خود گرفته است(اعتمادی،۱۳۹۸ ص۱۷۳).

به رغم نظر برخی صاحب نظران ، حقوق بشر را نمی توان محصولات تجربه طولانی و تاریخی بشردانست؛ بلکه حقوق بشر حقوقی است فطری و فراگیر در تمام ادوار و دیار و مطلق از هر گونه تقیید نسبت به زمان و زبان ملیت و مذهب خاص. حقوق بشر مجموعه قواعد طبیعی است که اعلامیه جهانی حقوق بشر یا انقلاب کبیر فرانسه یا دیگر معاهدات و میثاق‌ها یا انقلابات و نهضت‌های جهانی موجد آن نبوده است؛ بلکه صحیح تر آن است که قدمت آن را به درازای حیات بشری بدانیم؛ یعنی حقوقی که با تولد جامه بشری ایجاد شد و همواره به صورت صفتی جداناشدنی از انسان به حیات خود ادامه داده است.

ازسوی دیگر در جهان امروز افزایش تنش، ترور، جنگ و جنایات سازمان یافته ملی و فراملی و بین المللی حقوق اولیه انسانها را در جایگاه آسیب پذیر قرار داده است. از این روست که در

جهان امروز گفتگو پیرامون حقوق بشر میثاق‌ها و نهادهای بین‌المللی، ناظر به روند رعایت این حقوق بیش از دیگر ادوار ضرورت یافته است(عمید زنجانی،۱۳۸٦،ص۱٦۲).

دین اسلام به دلیل ان که از نظام حقوقی شاخص برخوردار است و از بدو تشریع، کرامت آنسانی در دین حنیف و فطری اسلام، کرامت انسانی از جایگاه ویژه برخوردار بوده است و به این دلیل که برخی کشورهای اسلامی حقوق و سیاست شان منبعث از شریعت اسلام است یا اینکه تصویب قوانین مشروط به عدم مخالفت با شریعت است[1] ؛ در حیطه مباحث حقوق بشر جایگاهی خاص دارد ، این مقاله در پی آن است به اختصار « نقش کرامت انسانی در سیاست جنایی اسلام » را مورد بررسی قرار دهد.

۱. کرامت انسانی

کرامت از ریشه عربی«کَرُم» و اسم مصدر از باب «تکریم » یا « اکرام» و به معنای ارزشمندی و ارجمندی در مقابل «لوم» به معنای پستی است (واسطی زبیدی،۱٤۱٤ ه ق،ص٦۰٦) [2]. عرب هرچیز با ارزشی را با ماده کرم و مشتقات آن می ستاید(جوهری،۱٤٤۱ه ق،ج ۵ص۲۰۱۹) کرم اگر برای خداوند به کار برده شود به معنای احسان و نعمت های اوست اما اگر برای انسان به کار برده شود اخلاق و افعال نکویی وی می‌باشد(راغب اصفهانی، ۱٤۱۲ه ق، ص۷۰۷)[3].

کرامت انسانی راهبرد نوین سیاست جنایی است و سیاست جنایی در پرتوآن شکل می‌گیرد . این راهبرد ابزارهای سیاست جنایی را شناسایی و توجیه می‌کند . به یقین یکی از این ابزارها ، حقوق کیفری است که با جرم انگاری آغاز می‌شود . زیرا، کرامت انسانی بنیاد نظم اجتماعی است و حقوق کیفری نگه داشت چنین نظمی را به عهده دارد و مشروعیت حقوق در راستای حمایت از آن است ، از آن چه کرامت انسانی می تواند سرچشمه حقوق نوینی برای انسان شود در نتیجه می توان موجب پیدایش جرائم نوین و علت گسترش جرم انگاری شود(قماشی، ۱۳۹۳،ص۱٦۷).

در وصف انسان گفته است : «انسان موجودی است برگزیده از طرف خداوند، خلیفه و جانشین او در زمین، نیمه ملکوتی و نیمه مادی، مُلهم به خیر و شر، وجودش از ضعف و ناتوانی آغاز می شود و بسوی قدرت و کمال سیر می کند و بالا می رود ، از شرافت و کرامت ذاتی برخوردار است»(مطهری،ص۲۷۲).

کرامت انسانی دربرگرنده ارزش‌های والای اخلاقی است که هر شخصی را در هر موقعیت و شرایطی که باشد سزاوار تکریم و شایسته احترام می داند، از این منظر هیچ کس بدون ارزش و کرامت انسانی نیست. حق کرامت ذاتی انسان، حقوق مدنی و آزادیهای اجتماعی او را تضمین و محترم می شمارد ، هرکس از آن جهت که یک انسان است دارای حقوقی است که هم باید خود آن را پاس بدارد و هم دیگران آن را محترم بشمارند(قاضی زاده و ملکی ،۱۳۹۱، ص۳).

این آیه ، دارای تعبیر کم نظیری است، آنجا که می فرماید : «فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلا» کرامتی مطلق است ، در میان آنچه که خداوند خلق کرده است ، با تأکیدات سه گانه «ل« «قد» «کرمنا» تکریم بالاتر از «اکرام» است. در میان مخلوقات، ملائکه معصوم که عبادمکرمون،هستند، از این همه تأکید برخوردار نیستند. و از اینرو «نا» در«کرمنا» عنایت به جمع صفات دارد و در کل قرآن، این گونه تصریحات و تلمیحات در خصوص کرامت انسان وجود دارد ، همانطور که درآیه٤ سوره تین می‌فرماید«لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ في أَحْسَنِ تَقْويمٍ»(صادقی تهرانی، ١٣٦٥، ص٢٧٣).

۱-۱. انواع کرامت انسانی

باید توجه داشت که کرامت ذاتی حالت مشکک ندارد چراکه کرامت ذاتی نتیجه بشریت است و بشریت مفهومی مشکک نیست ، بلکه هر انسانی از آن رو که انسان است صاحب کرامت است و همه انسان ها از آن رو که به یک اندازه از انسان بهره برده اند، طبق آیه « ولقد کرمنا بنی آدم » دارای کرامتی یکسان اند، اما کرامت اکتسابی ماهیت قابل تفضیل دارد و مقید به دین و عقیده و نزدیکی به خداست(عمید زنجانی، ١٣٨٦ ص١٦٥).

از آیه شریفه« إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَليمٌ خَبيرٌ»(حجرات آیه ۱۳) نوع دیگری از کرامت فهمیده می شود که رابطه با تقوا وعمل صالح انسان دارد و لذا می توان گفت که کرامت ، دونوع است : ۱-کرامت ذاتی و ابتدایی که به نوع بشر عطا شده است. ۲-کرامت ثانوی و اختیاری که افراد خاص از آن بهره مندند(قاضی زاده و ملکی،۱۳۹۱،ص۵).

الف- کرامت ذاتی

از دیدگاه اسلام انسان ذانا دارای کرامتی است که منسوب به خداوند است(اسرا،۵) انسان دارای روح الهی(حجر۲۹۸) مسجود ملائکه و خلیفه خدا در زمین است(بقره،۳۰). کرامتی

ذاتی- انسانی ، کرامتی است که در متن تکوین آفرینش انسان مطرح است. ستایش انسان به دلیل داشتن این وصف، در واقع مدح پروردگار کریم است ؛ چون خداوند انسان را ذاتا و فی نفسه برسایر موجودات ظاهری و باطنی برتری و فضیلت داده است . این وصف مربوط به مقام انسانیت است(سلیمی، ۱۳۹۲،ص۲۵٤).

مقصود از کرامت ذاتی کرامت و منزلتی است که انسان از جهت انسان بودن داراست و کرامت اکتسابی و ارزشی کرامتی است که انسان با تحصیل عقاید، اخلاق و کردار نیکو و پسندیده خود، آن را بدست می آورد(حقیقت پور، ۱۳۹۲،ص٤۷).

این شرافت(کرامت) ذاتی شی است که هیچ رتبه و درجه ای را برنمی تابد و با غیر مقایسه نمی شود؛ برخلاف فضیلت(امراکتسابی) که در مقایسه با غیر قابل تبیین است(جوادی آملی، بی تا، ص۱٤۹-۱۵۲).

ب- کرامت اکتسابی

کرامتی که از به کار انداختن استعدادها و نیروی های مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می‌گردد، اکتسابی و اختیاری است. ارزش نهایی و عالی انسانی در گرو این کرامت است. در روی کرد توحیدی، حق کرامت به معنای حق اصطلاحی(امتیاز یا اختصاص قابل نقل وانتقال و اسقاط) نیست ؛ بلکه این حق مانند دیگر اصول حقوق اساسی به معنای«حکم» است. هیچ کس نباید امتیازی را که خداوند به عنوان کرامت و شرف وحیثیت ارزشی به اوعنایت فرموده، نقل یا اسقاط کند. مثلا کسی نمی تواند بگوید من حق احترام خود را در یک معامله به دیگری منتقل کردم یا اسقاط کردم و پس از این نقل و انتقال، من حق احترام و کرامت و شرافت ندارم و هر کس حق هر اهانتی برمن روا بدارد مانعی نیست. ازدیدگاه اسلام ، همان گونه که دفاع از کرامت و شرف انسانی لازم است، ارشاد کسی که-برفرض بسیار بعید- بخواهد از کرامت و شرف خود دست بردارد، واجب است؛ چون هیچ کس کرامت و شرافت دیگری را مورد اهانت قرار نمی‌دهد؛ مگر این که نخست کرامت و شرف خود را از دست داده باشد(سلیمی، ۱۳۹۲،ص۲۵۵-۲۵٦).

در روی کرد حقوقی نیز انسان« دارای حرمت است و حق دارد در جامعه به طور محترمانه زندگی کند وکسی حق ندارد با گفتار و رفتار خویش حیثیت او را با خطر مواجه سازد و حکومت باید به گونه‌ای عمل کند که موجب بی حرمتی شخص مجرم نگردد(مصباح یزدی،۱۳۸٦،

ص۲۹۰).از میان انسها کسی دارای کرامت و احترام بیشتری است که تقوای بیشتری داشته باشد. از نظر قرآن کریم بین تقوا وکرامت رابطه مستقیم وجود دارد و به این معنا که هرچه تقوا بیشتر باشد کرامت فزونتر می‌گردد . تقوا یک امر اختیاری و اکتسابی است نه یک امر ذاتی و خدادادی، و انسان باید آگاهانه و از روی اختیار با اطاعت از دستورات الهی ویژگی تقوا را در خود ایجاد کند(مصباح یزدی، ۱۳۸٦،ص۱۹٦).

۲-۱. کرامت انسانی در اسلام و اعلامیه حقوق بشر

در متون اسلامی دونوع کرامت برای انسان قابل مطالعه است . یکی کرامت فطری ، ذاتی و غیر مقید به دین و عقیده و دیگری کرامت اکتسابی که مقید به عقیده انسان است و در رابطه انسان با خداوند تعریف شدنی است. اسلام موجد و منشأ کرامتی ذاتی انسان نبوده است؛ بلکه هدف بررسی ابزار به رسمیت شناختن کرامت ذاتی انسان در دین اسلام و مقایسه محدوده تعریف شده از شأن ذاتی انسان در اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر است .

مسلم آن که محدوده تعریف شده این شأن ذاتی در اعلامیه جهانی حقوق بشر و دین اسلام کاملا منطبق با یکدیگر نیست. به نظر می رسد دلیل این تفاوت آن است که اعلامیه جهانی حقوق بشر یکی از دست آورد های عقل بشری در جهان مدرن است ،وبالتبع این اعلامیه بر محوریت انسان تنظیم یافته است اما در دین اسلام ساختار حقوق وتکالیف هر فرد بر محوریت تعالی انسان شکل گرفته است یا شاید با اندکی اغماض بتوان گفت که حقوق بشر در دین اسلام بر محوریت انسان متعالی تعریف شده است(عمید زنجانی، ۱۳۸٦، ص۱٦٦).

برمبنای اعلامیه جهانی حقوق بشر انسان‌ها صرفا به دلیل انسان بودن و فارغ از هرگونه تمایز دیگری ذاتابرخوردار از این حقوق(حقوق اساسی) در نظر گرفته می‌شود. حقوق بشر امروزی به معنای حقوقی است که انسان‌ها تنها به واسطه برخورداری از «کرامت ذاتی» انسانی دارای آن شده و در نتیجه به منظور تعلق این حقوق به انسان ها ، شرایط مختلف اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی، نژادی، جغرافیایی و حتی مذهبی در نظر گرفته نمی شود(اسماعیلی و سیفی، ۱۳۹۷،ص ۸۱۰).

۲. تعریف سیاست جنایی

نخستین کسی که اصطلاح سیاست جنایی را در ادبیات حقوقی به کار برده و آن را تعریف

نموده آنسلم فوئرباخ در کتاب حقوق کیفری خود در سال ۱۸۰۳ است. از دیدگاه وی ، سیاست جنایی مجموعه‌ی شیوه های سرکوب گرانه است که دولت از راه انها ، علیه جرم واکنش نشان می‌دهد (دلماس مارتی،۱۳۸۱ص ۲۳). دقت در این تعریف نشان می دهد که وی در مقایسه باتعریفی که امروزه از سیاست جنایی در میان است برداشت مضیقی را از آن به دست داده است که از آن به عنوان سیاست کیفری یادمی‌شود (قماشی،۱۳۹۳،ص۱۶۲). با این و صف تعاریف متعددی از سوی محققین ارائه شده اند که به برخی از انها اشاره می‌گردد:

۱-۲. تعریف مضیق:

سیاست جنایی عبارت است از سیاست های اتخاذی در قبال جرم که منحصر به برخورد کیفری از طریق سیستم قضایی است. لازمه چنین برخوردی اولا دولتی بودن است. زیرا دستگاه قضایی نهاد دولتی است و ثانیا مبارزه با انحراف مشمول سیاست جنایی نمی شود، زیرا سیستم کیفری فقط صلاحیت رسیدگی به جرایم را دارد (قیاسی، ۱۳۸۵،ص٤٠). در این خصوص می توان به تعاریف زیر اشاره نمود :

فوئرباخ: «مجموعه شیوه‌های سرکوبگرانه‌ای که دولت با استفاده از آنها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد »(لاژر،بی تا ،ص۹). عناصر درخور توجه در تعریف فوئرباخ را که تعریف بسته از سیاست جنایی و بیانگرمفهوم« سیاست کیفری» است ، می توان به شرح زیر برشمرد:

۱)این تعریف، ناظر به «مفهوم مضیق سیاست جنایی» است بدینسان ابزار و شیوه‌های مبارزه با جرم ، مطابق این تعریف ماهیتی قهر آمیز ، تنبیهی و سرکوبگرانه دارد. و اجرای مجازات و سرکوب، تنها راه جلوگیری از وقوع جرم دانسته شده و « اقدامات پیشگیرانه» در این تعریف جای ندارد .

۲)واژه «جرم» در این تعریف نشانگر این است که وظیفه دولت فقط براندازی جرم و بزهکار است و به کژروی ها و انحرافات هرچند که مخالف آداب عام ، و ازدیدگاه مردم نابهنجار و مذموم هم باشند کاری ندارد(عادلی،۱۳۸۹، ص۱۱).دوندی یودو وایر سیاست جنایی راچنین تعریف نوده است« ابزار واکنش کیفری و سرکوبگر در مقابل جرم»(حسینی،بی تا، ص۱۱).

سیاست جنایی در معنای مضیق خود همان سیاست کیفری است که امروزه یکی از زیر مجموعه‌های سیاست جنایی به شمار می رود و تنها شامل اقداماتی است که نظام کیفری از طریق قوه قضائیه و به کار بستن قوانین جزایی بدان می پردازد. سیاست کیفری تنها برخورد

حقوقی با پدیده جنایی دارد و ابزار آن مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی است و به همین دلیل نیز توانایی برخورد با انحراف را ندارد ، زیرا انحراف جرم تلقی نمی‌شود(قیاسی، ۱۳۸۵،ص٤١).

۲-۲.تعریف موسع :

کلیه تدابیری که در مقابله با جرم و انحراف توسط دولت و جامعه اتخاذ مـی‌گردد(همـان). در این تعریف اولا تدابیر منحصر به تدابیر کیفری نبوده ، تدابیر اقتصادی و اجتماعی وفرهنگی را نیـز در بر می‌گیرد، ثانیا امر مبارزه فقط به نهاد های دولتی محدود نمی گردد بلکه جامعـه نیـز در ایـن مساله شریک است . مارک آنسل متذکر می‌شود که سیاست جنایی را غالبا به سازمانهای عقلانـی واکنش اجتماعی علیه بزهکاری تعریف کرده اند(همان).

براساس این تعریف(تعریف موسع) نهاد دولتی نه تنها عهده دار این مبارزه نیست بلکه در کنار آن ، جامعه مدنی و مردم هم در این ستیز سهیم اند. و از سو ی دیگر، خشونت ، کیفر و مجازات فقط راه کنترول پدیده های بزهکاری نیست بلکه راه و روش های دیگر هم طریق معقول ومقبول است. و نیز وظیفه دولت و مردم صرفا براندازی جرم نیست که بر زبان قانون جریان یافته بلکه کجروی‌ها و نا هنجاری‌های اجتماعی مذموم در جامعه هم یکی از قلمرو سیاست جنایی است(عادلی،۱۳۸۹، ص۱۳).

۲-۳.انواع سیاست جنایی

سیاست جنایی تدبیری است از سوی جامعه که در مواجه و مقابله با پدیده مجرمانه، اعم از جرم و انحراف اندیشیده شده است. باتوجه به گستردگی موضوع و قلمرو سیاست جنایی که به صورت پیشگیرانه و واکنشی در برابر بزهکاری و هم کژمداری عرض اندام می نماید ، انواع سیاست جنایی را توجیه پذیر می نماید. این سیاست‌ها نه تنها در برابر هم و در مقابل هم وضع وجعل نمی شود بلکه مکمل هم، در راستای تامین اهداف مشترک قرار می‌گیرد.

الف-سیاست جنایی تقنینی

قوه مقننه با توجه به چارچوپ و اصول راهبردی سیاست جنایی به وضع و تصویب قانون می پردازد و جهت گیری ها و ابزار های سیاست جنایی را مشخص می‌کند .

قوانین و مقررات برخواسته از نهاد یا صلاحیت، در عین این که در جهت تبیین اصول، مبانی،

اهداف و خط مشی کلی سیاست جنایی قرار می‌گیرند، تأمین کننده یکی از منابع مهم سیاست جنایی به حساب می آیند. بدین سان نقش آن را در تدوین سیاست جنایی موفق نمی توان نادیده گرفت ، سیاست جنایی تقنینی را این گونه تعریف نموده اند: « مجموعه تدابیر مبارزه با بزهکاری که در قانون متجلی شده است و ضمانت اجرای مطمئنی همچون ضمانت اجرای قانونی دارد»(باصری، ۱۳۸٦،ص۱۹).

به عبارت یگر؛ مجموعه متون حقوقی (اعم ازکیفری و غیرکیفری) در زمینه یک پدیده مجرمانه که توسط مراجع قانونگذازی هرکشوری تدوین می‌گردند بیانگر سیاست جنایی تقنینی آن کشور درخصوص همان پدیده می باشد(آقازاده، ۱۳۸۱،ص۷).

ب-سیاست جنایی قضایی

نحوه دریافت و برداشت مقامهای قضایی از مقررات سیاست جنایی تقنینی را می توان سیاست جنایی قضایی نامید، به دیگر بیان، سیاست جنایی قضایی سیاستی است که در خواست و اراده و اعمال و رفتار قضات دادگستری تجلی یافته و در راستای اجرای سیاست تقنینی نمودار می‌گردد.

سیاست جنایی قضایی که از شاخه‌های سیاست جنایی به حساب می آید، خود به گون ها و انواعی تقسیم پذیر است. برای نمونه سیاست جنایی قضایی حمایت از کودکان، سیاست جنایی قضایی حمایت از بزه دیدگان و سیاست جنایی قضایی حمایت از زنان و..(باصری، ۱۳۸۷،ص٤٤).

ج-سیاست جنایی مشارکتی

از آن جا که مبارزه علیه پدیده مجرمانه و پیشگیری از انحراف و بزهکاری با مشارکت و نظارت فراگیر مردمی، رمز و راز کارآمدی یک نظام موفق کیفری است؛ سیاست دیگری به نام سیاست جنایی مشارکتی در عرصه عمل و نظر نمودار می شود. و این، بدین معناست که نهاد های مردمی و شهروندان باید با دولت در مورد ماهیت، رسالت و اهداف سیاست جنایی به صورت خود جوش یا سازمان یافته درتمام مراحل تدوین و اجراء ، اتخاذ و اعمال اقدام های اجتماعی پیشگیرانه نقش فعال و وسیعی داشته باشد. چه انیکه مشارکت وسیع جامعه مدنی در امر مبارزه با پدیده مجرمانه کم هزینه ترین راه مواجه با پدیده‌ای مجرمانه و یکی از بهترین

ضمانت اجراهای قانونی به حساب می آید(عادلی،۱۳۸۹،ص۱٦).

د- سیاست جنایی اجرایی

سیاست جنایی اجرایی، سیاستی است که قوه مجریه و اجزاء آن در راستای اجرای سیاست جنایی تقنینی به منظور پیشگری و یا سرکوب پدیده‌ای مجرمانه در جامعه اتخاذ می نماید. سیاست جنایی اجرائی عبارت است از " نحوه اجرائی تدابیر سرکوبگرانه و پیشگیرانه علیه پدیده مجرمانه" بدین خاطر سیاست جنائی اجرایی در مفهوم مضیق ، همان تدابیرسرکوبگرانه و واکنش قهرآمیز علیه پدیده مجرمانه است. و در مفهوم موسع، خودش به تدابیر سرکوبگرانه و پیشگیرانه صرف نظر از مجازاتها، نظارت دارد(عادلی،۱۳۸۹،ص۱۸).

ه- سیاست جنایی در اسلام

بدان جهت که مبارزه با جرم و انحراف یکی از اهداف مستقیم همه انبیاء بوده است. در قران کریم اعمالی که امروزه در لیست عناوین مجرمانه جای می گیرند تحت عناوین کلی متعدد و متنوعی مورد بحث قرار گرفته اند که تعدادآنها صرف نظراز مشتقات مختلف به ۲٤عنوان می رسد. این عناوین عبارت اند از :افساد، کفر، شرک، ظلم، عتو، عصیان و معصیت، اعتداوعدوان ، سیئه و سوء، فحشا، اثم، ذنب، فتنه، منکر، جرم، جناح ،اسراف ، خطا، فسق، مکروه، طغیان، وزر، حنث، فجور و بغی. هر یک از عناوین مذکور و مشتقات انها تعدادی از آیات قرآن را به خود اختصاص داده اند که بالغ بر صدها آیه می شود. طبیعی است مکتبی که علاوه بر ضمانت اجرایی دنیوی، به ضمانت اجرای اخروی در قبال ارتکاب اعمال فوق نیز پرداخته و حیات ابدی انسانها را درگرو مبارزه فردی و جمعی بافساد و فحشا می داند و پیامبری که هدف خود را تکمیل کرامت های اخلاقی می داند[٤]. نمی تواند نسبت به مبارزه با پدیده‌ای چون جرم و انحراف ساکت باشد . اسلام با استفاده از همه ابزارها همچون اخلاق و حقوق به انواع سیاست جنایی(مشارکتی- دولتی) در تمام مراحل آن یعنی پیشگیری به معنای خاص تا قبل از ارتکاب جرم و اصلاح و درمان پس از اتکاب جرم، توجه داشته است(قیاسی، ص۵۷).

۳. نمونه های از کرامت انسانی درسیاست جنایی اسلام

با این که سیاست جنایی شامل مراحل مختلف می‌گردد و زوایای زیادی همچون اقتصاد ،

سیاست ، فرهنگ و کیفر را شامل می‌گردد. و نیز باید توجه داشت که عوامل زیادی در انتخاب نوع سیاست جنایی دخیل اند که یکی از آن ها کرامت انسانی است و دنیای امروز حد اقل در حد شعار بدان توجه نشان می دهند ، در سیاست جنایی اسلام این توجه از اول تشریع وجود داشته و ما معتقدیم این بذل توجه در اسلام ریشه وحیانی دارد با این وجود، هستند افرادی که برخی از مجازات‌ها در اسلام مانند سنگسار و قطع ید را مخالف کرامت انسانی می داند و این در حالی است که سیاست جنایی اسلام در موارد متعدد کرامت انسانی را به رسمیت شناخته است. هرچند در این باره سخن فراوان است اما این مقاله به ذکر برخی از مهمترین موارد که مصداق کرامت انسانی محسوب می شود بسنده می نماید.

۱-۳.حق حیات

در فراز های متعددی از تعالیم اسلامی تضمین این حق بشری خود را نمایان می سازد. برای مثال در قرآن کریم آمده است: «وَ لا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتي حَرَّمَ اللَّهُ إِلاَّ بِالْحَقِّ»(انعام ، ۱۵۱)[۵] و نیز «مَنْ قَتَلَ نَفْساً بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّما قَتَلَ النَّاسَ جَميعاً »(مائده ۳۲).[۶]

همانگونه که می بینیم در این دو آیه خداوند نفس انسان را صرف نظر از دین جنسیت و زبان و فرهنگ او دارای حرمت معرفی کرده است.

۲-۳. آزادی فطری بشر و مبارزه با برده داری

امام علی(ع)می فرماید: «بنده دیگری مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است» (رضی، ۱۳۷۵، ۸۸۰)[۷]. بدین ترتیب اصل آزادی ذاتی انسان در برابر انسان در اسلام امر پذیرفته شده است. اگر چه در مورد بردگی و تایید یا لغو آن دراسلام نیاز به تدقیق نظر است. می دانیم که مطابق نظر مشهور فقها ، اسلام بردگی را به طور کامل نفی ننمود؛ بلکه ضمن اصلاحات و تعدیلاتی در قوانین مربوط به برده داری منجر به ایجاد محدودیت هایی برای برده داران و زمینه سازی بیشتر برای آزادی بردگان شد.

مطمئنا احکام فقهی موجود در باره برده داری نیز منبعث از متون دینی است، اما از آنجا که برده داری در عصر پیش از اسلام در تار و پود زندگی اجتماعی و فردی مخاطبان آن عصر تنیده شده بود و مبارزه یکباره با آن میسر نبود، گفتار پیشوایان دین محدود به ملزومات و ضرورت آن زمان است ؛ پس کشف حقیقی اسلام به پدیده برده‌داری باید به برخورد پیشوایان دینی با بردگان

و سعی ایشان برای آزادی آنان توجه کنیم(عمید زنجانی، ۱۳۸٦،ص١٦٦).

اسلام برده گرفتن ابتدایی را فقط به اسرای جنگ مسلمین وکفار محدود کرد؛ که البته در روزگاری که امکان ساخت زندان وجود نداشت و حکومت اسلامی نیز توانایی مالی نگهداری اسرا را نداشت ، از بین سه گزینه آزادی اسرای کفار یا قتل آنان و یا بردگی آنان، اسلام گزینه‌ای را برگزید که از سویی نقض غرض مبارزه با کفار نشود از سوی دیگر منجر به کشتار اسراء نشود و زمینه تربیت آنان در جامعه اسلامی را فراهم آورد(کلانتر،۱۳۹۸،ص۲۲٦-۲۲۷) پس هدف اسلام مبارزه گام به گام با بردگی است.

۳-۳. لغو شکنجه و رفتار برخلاف شئون بشری

در حقوق اسلامی از ان جا که آزادی اراده، از شرایط نفوذ اقرار است. شکنجه به منظور اخذ اقرار و اعتراف ممنوع است، اما برخی مجازات های اسلامی نظیر تشهیر که در جرایم چون قذف پیش بینی شده است ، ممکن است از منظر این ماده رفتاری متضمن توهین به شخصیت مجرم به حساب آید. اگر چه معیار توهین آمیز بودن رفتار و مجازات عرف جوامع است اما با این حال کمتر مجازاتی را می توان یافت که متضمن وهن مجرم نباشد . حتی اقدامات تأمینی و تربیتی نیز گرچه به منظور جلوگیری از تحقیر مجرم و تاکید بر روش های اصلاحی و تربیتی و درمانی تأسیس و ترویج شده است ، اما با این حال این اقدامات نیز متضن توهین به شخصیت مجرم می باشند و این از خصوصیات غیر قابل اجتناب اکثر مجازات‌ها و حتی اقدامات تامینی و تربیتی است. اما از ان جا که مصالح افراد در گرو مصلحت اجتماع است ، نمی توان مصلحت اجتماع را در تنظیم مجازات‌ها نادیده گرفت. در سیره پیشوایان دینی توهین به شخصیت مجرم مشاهده نمی شود؛ اما وصف بازدارندگی و صفت ترذیلی برخی از مجازات‌ها به منظور نیل به مصالح اجتماعی ، موجب تحقیر آمیز بودن آنها شده است (عمید زنجانی، ۱۳۸٦، ص۱۷۸).

۳-۴.لغو تبعیض

اسلام که در محیط مملو از انواع تبعیض های اجتماعی ظهور کرد، به صورت جدی به مبارزه با تبعیض‌ها برخواسته و تبعیض میان انسان‌ها را به طور کلی منکر می‌گردد و همه آدمیان را دارای کرامت می داند«ولقد کرمنا بنی آدم»(اسرا آیه ۷۰). وهمچنین در آیه« یا أَیُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْناکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَ أُنْثی وَ جَعَلْناکُمْ شُعُوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفُوا »(حجرات،آیه ۱۳) اصلی ترین معیار

تبعیض در جهان دیروز و امروز یعنی قومیت گرایی و ملیت پرستی را نفی می‌کند و اختلاف رنگ، پوست و زبان را نشانه‌های خدا شناسی معرفی می کند نه ابزار برای تبعیض روا داشتن.

پیامبر اکرم در حدیثی فرموده« إِنَّ النَّاسَ مِنْ عَهْدِ آدَمَ إِلَى يَوْمِنَا هَذَا مِثْلُ أَسْنَانِ الْمُشْطِ لَا فَضْلَ لِلْعَرَبِيِّ عَلَى الْعَجَمِيِّ وَ لَا لِلْأَحْمَرِ عَلَى الْأَسْوَدِ إِلَّا بِالتَّقْوَى»به راستی که مردمان از روز گار آدم تا امروز مانند دندانه‌های یک شانه اند. عرب نسبت به عجم و سرخ نسبت به سیاه پوست هیچ برتری ندارد مگر به تقوی(محدث نوری، ۱٤۰۸ ه ق، ۸۹).

در دین اسلام تبعیض مبتی برعقیده نیز طرد شده است در عهد نامه مالک اشتر چنین آمده است: « فإنّهم صنفان امّا أخ لك في‌الدّين و أمّا نظير لك في‌الخلق»مردمان دو دسته اند عده‌ای که در دین با تو برادرند وعده‌ای که در آفرینش با تو همسانند(طباطبایی بروجردی، ۱٤۲۹ه.ق، ج۲۲، ص٦٤۰).

۵-۳.حق دادخواهی و رسیدگی به اتهام در دادگاه صالح

در تعالیم اسلام حق دادخواهی و رسیدگی به اتهام در دادگاه صالح مورد توجه بسیار قرار گرفته است. در قرآن کریم بنا بر آیه«یا داوُدُ إِنَّا جَعَلْناكَ خَليفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لا تَتَّبِعِ الْهَوى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبيلِ اللَّه» داوری بین مردم به منزله نمایندگی خداوند در زمین برای گسترش حقیقت معرفی شده است. چنانکه در باره آمده است:« إِذَا تَقَاضَى إِلَيْكَ رَجُلَانِ فَلَا تَقْضِ لِلْأَوَّلِ حَتَّى تَسْمَعَ مِنَ الآخَرِ»چون دونفر از تو درخواست قضاوت نمودند؛ قبل از این که سخن دیگری را بشنوی برای یکی از آنان حکم صادر مکن(صدوق،۱٤۱۳ه.ق.،ج۳، ۱۳).

۶-۳.اصل برائت

اسلام برای نخستین بار، اصل برائت را از طریق قاعده‌ی «درأ» و «قبح عقاب بلابیان» جاری ساخت. به موجب این اصل، انسان‌ها از مصونیت و تأمین اجتماعی کافی برخوردار شدند و برای نخستین بار، حقوق افراد جامعه در حصاری مستحکم تحت محافظت قرار گرفت و از جانب حکومت و قوای عمومی تضمین شد. دیوار برائت از دیدگاه حقوق اسلامی به حدی رفیع است که رخنه در آن به راحتی ممکن نیست. این اصل نه تنها در مدافعات معمولی بلکه آنجا که عرصه حقوق اللّه است نیز کاربرد بسیار مؤثر و عملی دارد؛ به حدی که حتی با تحقق شبهه و تردید، اجرای احکام الهی یعنی حدود نیز تعطیل می‌شود (الحدود تدرء بالشبهات).این اصل در قانون

اساسی جمهوری اسلامی ایران به صورت اصل سی و هفتم به رسمیت شناخته شده است(محقق داماد یزدی، ١٤٠٦ ه .ق، ص٦).

۷-۳.کرامت انسانی در قانون اساسی ایران

قانون اساسی در مقدمه‌ی خود، این قانون را قانونی می‌داند که آزادی و کرامت ابنای بشر را سرلوحه اهداف خود قرار می دهد. در اصول متعدد این قانون چه به طور مستقیم و چه به طور غیرمستقیم به رعایت کرامت انسانی توجه خاصی شده است که به اهم آنها اشاره می گردد:

۱-نظامی بر پایه‌ی کرامت[۸].

۲-تامین حقوق همه مردم[۹].

۳ -اصل منع شکنجه[۱۰].

٤-حمایت از کرامت زن[۱۱]

٥-منع دستگیری غیرقانونی[۱۲]

٦-اصل برائت[۱۳]

۷- محاکمه علنی[۱٤]

۸-۳. کرامت انسانی در قانون مجازات اسلامی

الف) به تعویق انداختن حکم دادگاه

در قانون مجازات اسلامی یکی از مصادیق احترام به کرامت انسانی و تلاش برای بازگرداندن او به زندگی سالم عنوان «تعویق صدور حکم» است. تدوین کنندگان قانون جدید مجازات اسلامی ۱۳۹۲[۱٥] تحت تاثیر پیشرفت های علمی و تاثیر مکتب اسلام به منظور حمایت از کرامت انسان، به عنوان ارفاق قانونی، به حکم دادگاه در مورد افرادی که تحت تاثیر عوامل نامساعد فردی، خانوادگی و اجتماعی که آنان را احاطه کرده و به طرف ارتکاب جرایم تعزیری رفته اند و بر اثر آن تحت تعقیب قرار گرفته اند اما با وجود شرایطی از قبیل فقدان سابقه‌ی کیفری موثر و پیش بینی اصلاح و تربیت آنان از ناحیه محاکم و دادرسان مدت زمانی برای آنان فرصت داده می شود که به جای تحمل حبس و گذراندن دوره‌ای در زندان، آزاد باشند تا بتوانند خود را اصلاح و زمینه آشتی خود را با اجتماع فراهم نمایند. قانونگذار معتقد است که با تعویق اجرای حکم این مهم حاصل خواهد آمد(ولیدی،۱۳۹۳،ص۱۱۳).

در این ماده توجه به وضعیت فردی، خانوادگی، اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوال ارتکاب جرم، پا در میان گذاشته و مجازات مجرم را با وجود برخی شرایط دیگر که در دنباله ماده احصاء شده تعلیق نموده است. دلیل این ارفاق عنایت به کرامت انسان است و شرایط مندرج در ماده نشان می دهد که فرد مجرم مستحق ارفاق است تا سالم به جامعه بازگردد و برچسب مجرمیت از پیشانی او برداشته شود.

ب)امکان انجام فعالیت های حرفه‌ای، آموزشی، درمانی (نظام نیمه آزادی)

با عنایت به این که هدف از مجازات بازپروری و اعاده شخص به زندگی سالم است ماده ٥٦ این فرصت را به او ایجاد کرده تا بتواند خود را اصلاح و زمینه‌ی سلامت در زندگی اجتماعی بعد از دوران محکومیت برای وی فراهم شود وانگهی... ارتکاب جرم خواه ناخواه در زندگی برخی از انسان ها اتفاق می افتد لذا نگه داشتن وی در یک محوطه‌ی سربسته و کوچک، بیکار از اول صبح تا نیمه های شب مغایر کرامت انسان است. قانونگذار صلاح دیده به برخی از زندانی ها فرصت دهد تا از استعدادها و توانمندی های خود برای ساختن فردایی بهتر بهره گیرد لذا ماده ٥٦ [١٦] را در این راستا تقنین کرده است.

ج)مجازات های جایگزین حبس

حبس یکی از مجازات هایی است که از زمان های قدیم در عرصه کیفری حضور دارد لیکن این مجازات به لحاظ تبعات منفی فراوان صدمه‌ی شدیدی به محبوس می زند علاوه بر صدمات روحی و جسمی، خانواده ی زندانی را سرگردان و بی سرپرست می گذارد لذا پیش بینی مجازات های جایگزین حبس موجب احیای کرامت وی می شود. [١٧]

ج)تعلیق اجرای مجازات

گاهی اتفاق می افتد که ارتکاب جرم از اندیشه مجرمانه سرچشمه نمی گیرد بلکه اتفاقات ناخواسته، انسان را در مسیر ارتکاب جرم قرار می دهند وقتی چنین افرادی وارد زندان می شوند با رعایت آداب زندان، نشان دادن اخلاق و رفتار نیکو و با جبران ضررهایی که بر مجنی علیه وارد کرده اند ندامت عملی خود را از جرم ارتکابی نشان می دهند اولیای زندان و قاضی صادر کننده حکم با احراز این شرایط مجازات وی را تعلیق می نمایند و اجازه می دهند که وی به اجتماع باز گردد. این اقدام که در قانون مجازات اسلامی در ماده ٤٦ [١٨] پیش بینی شده یکی از راه های احترام به کرامت انسانی محسوب می شود.

نتیجه

از مجموع آن چه بیان شد می توان نتیجه گرفت که کرامت انسانی در سیاست جنایی اسلام مورد توجه ویژه قرار گرفته است و اسلام تعریف خاص خودش از سیاست جنایی را ارائه داده و و بر اساس این سیاست کرامت انسانی در موارد زیادی از نظام قضایی اسلام تبلور یافته است و این مهم در مرحله تقنین و اجرا در فاکتورهای مانند: حق حیات، حق آزادی، لغو شکنجه، تبعیض، اصل برائت ، حق دادخواهی عادلانه و... منعکس شده اند. سختگیری در اثبات جرایم حاکی از اهمیت دادن به کرامت انسانی می باشد.

کرامت انسانی در سیاست جنایی اسلام، از هم زمانی اسلام و تقنین کرامت اسلامی در منابع و قوانین اسلامی سخن می گوید و این در حالی است که حقوق بشر و کرامت انسانی در دنیای غرب، بعد از قرن ها تازه به آن دست یابیده است و این نیز اکثرا واقعیت نداشته بلکه در حد شعار و وسیله استعمار دیگران قرار داده می‌شود.

پی نوشت:

.....

[۱] -اصل چهارم قانون اساسی ایران، « تمام قوانین ومقررات مدنی ، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی وغیر آنها باید بر اساس موازین اسلامی باشد»

[۲] -« الكَرَمُ، محرَّكةً: ضِدُّ اللُّؤْمِ، يكونُ في الرَّجُل بنفْسِه، و إن لم يكنْ له آباءٌ،»

[۳] - «الكَرَمُ إذا وصف اللّه تعالى به فهو اسم لإحسانه و إنعامه المتظاهر، نحو قوله: فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ [النمل/ ٤٠]، و إذا وصف به الإنسان فهو اسم للأخلاق و الأفعال المحمودة التي تظهر منه»

[٤] - بعثت لاتمم مكارم الاخلاق

[٥] - (کسی را که خداوند شتتش را حرام کرده ، جز به حق مکشید)

[٦] - (هرکس دیگری را نه به قصاص قتل یا به جزای ارتکاب فسادی در روی زمین ، بکشد چنان است که همه مردم را کشته باشد)

[۷] - « ولاتکن عبد غیرک وقد جعلک الله حرا»

[۸] - اصل دوم قانون اساسی در بند ششم«جمهوری اسلامی ایران، نظامی است بر پایه ی ایمان به کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توام با مسئولیت او در برابر خدا.»

[۹] - اصل سوم«تامین حقوق همه جانبه ی افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.»

[۱۰] – اصل سی و هشتم «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است..»

[۱۱] – اصول ۲۱-۲۲و ۳۹

[۱۲] –اصل ۳۲

[۱۳] – اصل سی و هفتم «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.»

[۱٤] – اصل ١٦٥«محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.»

[۱۵] – ماده ٤٠ق.م.ا. «در جرایم موجب تعزیر درجه شش تا هشت دادگاه می تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد:

الف- وجود جهات تخفیف. ب- پیش بینی اصلاح مرتکب..پ- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران. ت- فقدان سابقه کیفری موثر»

[۱٦] – «نظام نیمه آزادی، شیوه ای است که بر اساس آن محکوم می تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت های حرفه ای، آموزشی، حرفه آموزی، درمانی و نظایر اینها را در خارج از زندان انجام دهد. اجرای این فعالیت ها زیر نظر مراکز نیمه آزادی است که در سازمان زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی تاسیس می شود.»

[۱۷] –«مجازات های جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجراء می شود.»

[۱۸] –«در جرایم تعزیری درجه سه تا هشت دادگاه می تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید. دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرای یک سوم مجازات می تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نماید. همچنین محکوم می تواند پس از تحمل یک سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید.»

کتابنامه

قرآن کریم

اسماعیلی، محسن و سیفی ، محمد مهدی ، مؤلفه های کرامت ذاتی انسان در اندیشه علامه طباطبایی،فصلنامه مطالعات حقوق عمومی،دوره ٤٨،شماره ٤ ،زمستان ١٣٩٧.

اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن، در يك جلد، دار العلم – الدار الشامية، لبنان – سوريه، اول، ١٤١٢ هـ ق.

اعتمادی، علی و همکاران، جایگاه احترام به کرامت انسانی در ارتقاء اقتدار قضایی، فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی تطبیقی آزاد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، دوره۱۲،زمستان ۱۳۹۸ شماره ٤٦.

آقازاده، علیرضا، سیاست جنایی تقنینی ایران در قلمرو جرایم قاچاق گمرکی، ارومیه، پیک سبحان، چاپ اول، ۱۳۸۱.

باصری، علی اکبر ، سیاست جنایی(داخلی وبین المللی) مواد مخدر،تهران، خورسندی، ١٣٨٦.

باصری، علی اکبر، سیاست جنایی قضایی کودکان ونوجوانان(در حقوق داخلی و بین المللی) ، تهران، خورسندی، ۱۳۸۷.

جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر انسان به انسان، قم، مرکز نشر اسرا، چاپ ۲ .

جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح – تاج اللغة و صحاح العربية، ٦ جلد، دار العلم للملايين، بيروت – لبنان، اول، ١٤١٠ هـ ق.

حسینی، سید محمد، سیاست جنایی (مفاهیم و مدلها) مجله کانون وکلا شماره ۱۱.

حقیقت پور، حسین ،کرامت اانسانی در فقه وحقوق ، تهران ، انتشارات دادنگاه امام صادق، ۱۳۹۲.

سلیمی، عبدالحکیم، درسنامه حقوق بشر ازدیدگاه اسلام، قم، مرکز بین المللی ترجمه ونشر

المصطفی، چاپ اول ۱۳۹۲.
سید رضی، ابوالحسن محمد ، نهج ابلاغه، مترجم محمد تقی جعفری، تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۷۵.
صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن ، قم ، ۱۳٦٥ج۱۷.
صدوق، محمّد بن علی بن بابویه قمّی، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم – ایران، دوم، ۱٤۱۳ ه‍.ق، ج۳، .
طباطبایی بروجردی، آقا حسین، جامع أحادیث الشیعة، ۳۱ جلد، انتشارات فرهنگ سبز، تهران – ایران، اول، ۱٤۲۹ ه‍.ق، ج۲۲.
عادلی، عبدالحکیم، سیاست جنایی مبارزه با مواد مخدر در حقوق افغانستان واسناد بین الملل(پایان نامه کارشناسی ارشد ،استاد راهنما: محمدعلی حاجی ده آبادی) قم، جامعه المصطفی، تاریخ دفاع آبان ،۱۳۸۹.
عمید زنجانی، عباسعلی و توکلی، محمد مهدی، حقوق بشر و کرامت ذاتی انسان در اسلام، فصلنامه حقوق، مجله دانشگاه حقوق وعلوم سیاسی ، دوره ۳۷، شماره ٤، زمستان ۱۳۸٦.
قاضی زاده، کاظم و ملکی، یدالله ؛ مراتب معنوی و کرامت ذاتی انسان از راه آورد قرآن(آیه ۷۰ سوره اسراء) فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش های کلامی- اعتقادی، سال دوم شماره ششم، تابستان ۱۳۹۱.
قماشی ، سعید ، کرامت انسانی و نقش آن در جرم انگاری، تهران،۱۳۹۳،چاپ اول، نشر میزان، ص۱٦۲
قیاسی، جلال الدین، مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی،قم ، پژوهشگاه حوزه ودانشگاه،، ۱۳۸۵، چاپ اول.
کلانتری، سید محمد، تحقیق شرح لمعه، نجف، نشر جامعه النجف، ۱۳۹۸ق، چاپ دوم،ج٦،ص۲۲٦-۲۲۷
لاژر ، کستن ،سیاست جنائی ،ترجمه حسین نجفی ابرند آبادی،بی تا،بی جا.

محقق داماد یزدی، سید مصطفی، قواعد فقه (محقق داماد)، ٤ جلد، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران – ایران، دوازدهم، ١٤٠٦ هـ ق ج٤.

مصباح یزدی، محمد تقی ؛نظریه حقوقی اسلام ، قم، موسسه آموزشی وپژوهشی امام خمینی، ١٣٨٦،ج١

مطهری، مرتضی ؛ مجموعه آثار،انتشارات صدرا، قم، ج٢.

نوری، محدث، میرزا حسین، مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، بیروت – لبنان، اول، ١٤٠٨ هـ ق ج١٢.

واسطی، زبیدی، حنفی، محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس ، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت – لبنان، اول، ١٤١٤ هـ ق، ج١٧.

ولیدی، محمد ، بایسته های قانون مجزات اسلامی، تهران انتشارات جنگل، ١٣٩٣.